



مؤلفه‌های امنیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر امنیت درونی)

محمدعلی تصدیقی *

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۴/۲۷

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۶/۲۸

چکیده:

احراز جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه براساس سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، منوط به الزاماتی در مدیریت نهادها و سازمان‌های جامعه است. یکی از این الزامات، امنیت سیاسی و اجتماعی است که مدیریت جامعه در این زمینه نقش مهمی برعهده دارد. مدیریت سیاسی جامعه، علاوه بر نقش امنیت بیرونی و برقراری نظم، نقش دیگری به نام امنیت درونی را در جامعه نیز بر عهده دارد. در امنیت درونی - که در این مقاله بر آن تأکید می‌شود، رابطه بین افراد و جامعه را، محبت تشکیل می‌دهد که مبتنی بر آموزه‌های اسلامی ما می‌باشد. امنیت درونی، نقش پیش‌گیرانه دارد و زمینه ایجاد عوامل مخل امنیت را در جامعه از بین می‌برد و امنیت بیرونی را تسهیل می‌کند. مدیریت سیاسی جامعه برای ایجاد چنین امنیتی نیازمند تغییر و تحولی بنیادین در اهداف، روش‌ها، مدیریت و برنامه‌ریزی‌های درون سازمان‌ها است که تحقق اهداف سند چشم‌انداز را میسر خواهد کرد. علاوه بر این، امنیت سیاسی و اجتماعی در جامعه، نیازمند مؤلفه‌های ثبات سیاسی، ثبات مدیریت، امنیت شغلی، امنیت فرهنگی، بهداشت روانی، ایجاد روحیه مشارکت، ایجاد محیط مؤثر و امن و خودکنترلی است که با همکاری دیگر نهادهای اجتماعی به‌ویژه آموزش و پرورش، صدا و سیما، فرهنگ و ارشاد اسلامی و ... قابل تحقق است.

روش مورد استفاده در این تحقیق روش توصیفی از نوع کتابخانه‌ای است. برای دستیابی به مؤلفه‌های امنیت سیاسی و اجتماعی و در پاسخ به این سؤال که جامعه ایران، نیازمند چه مؤلفه‌هایی در راه امنیت سیاسی و اجتماعی است؟ با مطالعه مقالات و کتاب‌ها راجع به مدیریت و امنیت سیاسی و اجتماعی و مشاوره با صاحب‌نظران و با تعمق و اندیشه درباره آنها، مؤلفه‌های امنیت سیاسی - اجتماعی در جامعه اسلامی ایران شناسایی شد و مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت و پیشنهادهای لازم ارائه گردید.

واژگان کلیدی: امنیت سیاسی و اجتماعی، امام خمینی (ره)، استاد مطهری (ره)، چشم‌انداز ۱۴۰۴، امنیت درونی و احترام متقابل.

مقدمه و بیان مسئله

۲. تغییر و تحول بنیادی در مدیریت امنیت سیاسی

و اجتماعی،

۳. تغییر و تحول بنیادی در برنامه‌ریزی‌های امنیت سیاسی

و اجتماعی،

۴. تغییر و تحول بنیادی در نگرش مردم نسبت به امنیت

سیاسی و اجتماعی.

تحقق اهداف فوق، زمینه را برای تحقق اهداف امنیت سیاسی

و اجتماعی، تسهیل خواهد کرد و جامعه اسلامی ایران را، پویایی

تازه‌ای خواهد بخشید.

امنیت در سند چشم‌انداز

در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در

افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، به امنیت نیز اشاره شده است. در

یکی از بندهای آن چنین آمده است: «جامعه ایرانی در افق

این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی را خواهد داشت: توسعه یافته،

متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی

بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید

بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع،

حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و

قضایی.» طرح چنین موضوعی در سند چشم‌انداز بر اهمیت آن

می‌افزاید و توجه مسئولان مربوط را به امنیت اجتماعی ضرورتی

اجتناب‌ناپذیر می‌داند.

امنیت سیاسی و اجتماعی:

تعاریف، مفاهیم و انواع آن

از دیرباز امنیت بعد از نیازهای اولیه، یکی از نیازهای

اساسی انسان‌ها بوده است. امنیت به مفهوم رهایی از ترس،

خطر و احساس دوری از هرگونه تعهد، یکی از نیازهای اصلی

و اساسی انسان‌ها از آغاز زندگی بوده است. امنیت به این معنا

پیوند عمیقی با ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه

دارد (گروسی، ۱۳۸۵). شهرهای پرجمعیت و محیط‌های بزرگ

جامعه^۱ جمهوری اسلامی ایران در جهت تحقق اهداف

چشم‌انداز ۱۴۰۴ نیاز به امنیت^۲ دارد. به عبارت دیگر، نهادها محل

پیاده‌شدن اهداف جامعه است و افراد و دیگر ارکان جامعه باید

در محیطی آرام و امن و صمیمانه؛ بدون دغدغه خاطر و عوامل

مزاحم؛ اهداف جامعه را تحقق ببخشند؛ محیطی که جریان

رشد و کمال انسان را نیز میسر سازد. نقش مدیریت جامعه^۳ در

این زمینه، اهمیت بسزایی دارد زیرا می‌تواند با برنامه‌ریزی‌ها^۴؛

سازماندهی‌ها^۵؛ هماهنگی‌ها^۶؛ نظارت‌ها^۷ و ... در ایجاد این امنیت

نقش مهمی بر عهده داشته باشد. چنین امنیتی بازوانی قوی برای

مدیریت است که در روند توسعه برنامه‌های آموزشی و رشد و

کمال انسان؛ مدیریت را در تصمیم‌گیری‌ها^۸؛ برنامه‌ریزی‌های

آموزشی^۹ و برنامه‌ریزی‌های درسی^{۱۰} یاری می‌بخشد (تصدیقی،

۱۳۷۴: ۱۴). بنابراین هدف از ایجاد امنیت در نهادها و نقش

آن در جامعه، ایجاد محیطی متعادل برای رشد و کمال است و

همه دست‌اندرکاران مدیریت در این خصوص سهم مهمی دارند.

مدیریت جامعه در ایجاد شرایط و بسترسازی امنیت سیاسی و

اجتماعی، نقش ویژه‌ای دارد، نقش که باید مورد توجه مسئولان

قرار گیرد. اگر نهادهای یک جامعه از این امنیت بی‌بهره باشد؛

در جهت تحقق اهداف خود؛ ناخواسته با مشکلات بی‌شماری

روبرو می‌گردند که آثار زیان‌بخش و جبران‌ناپذیری برای جامعه

در بر خواهد داشت. به امید آنکه با اعتلای فرهنگ و آموزه‌های

اسلامی در جامعه ایران اسلامی؛ توجه به امنیت در جامعه و

نهادهای آن بیش از پیش مورد توجه مسئولان جامعه قرار

گیرد.

اهداف

روی‌آوری به امنیت سیاسی و اجتماعی در جامعه دینی

ایران، همواره چنین اهدافی را در جامعه دنبال خواهد کرد:

۱. تغییر و تحول بنیادی در اهداف و روش‌های ایجاد امنیت

سیاسی و اجتماعی،

1. society

2. safety; security

3. administration

4. planning

5. organizing

6. coordinating

7. supervision; control

8. decision - making

9. educational planning

10. curriculum development

رشد و کمال انسان را تسهیل می‌کند و به جای اینکه ترس و اضطراب ایجاد کند؛ آنها را از میان برمی‌دارد و در نهایت چنین امنیتی موجب کمال فرد و توسعه جامعه می‌گردد.

اگر بخواهیم نقش امنیت را در زندگی انسان‌ها بررسی کنیم، می‌توان آن را به دوبرخش امنیت درونی و بیرونی دسته‌بندی کرد. امنیت درونی یا همان امنیت روانی مهم‌ترین فاکتور زندگی سالم هر انسانی می‌باشد. در عین حال امنیت بیرونی لازم و ملزوم امنیت درونی یک جامعه می‌باشد (موسوی، ۱۳۸۷).

به عبارت دیگر فرد در امنیت درونی به دلیل فقدان اجبار و اعمال قدرت از بالا، از موهبت اعتماد اجتماعی و نوعی همدلی برخوردار است و به این طریق زمینه مشارکت اجتماعی در ایجاد امنیت فراهم می‌آید. منظور از امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطری است که جامعه برای اعضای خود ایجاد می‌کند. اگر افراد اعتقاد به داشتن مسئولیت در برابر جامعه را در خود احساس کنند، این امنیت بهتر و مؤثرتر پیش خواهد رفت و هرگونه امنیتی بدون مشارکت مردم، امکان تحقق بسیار ضعیفی خواهد داشت.

باری بوزان^۱ استاد مطالعات امنیتی و روابط بین‌الملل دانشگاه ال.اس.ای (L.S.E) لندن، امنیت اجتماعی را به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع می‌دهد که بر مبنای آن افراد خود را عضو یک گروه خاص اجتماعی تلقی نموده‌اند. به عبارت دیگر امنیت اجتماعی معطوف به جنبه‌هایی از زندگی شخص است که هویت او را تضمین می‌کند (گروس، ۱۳۸۵) امنیت اجتماعی ابعاد مختلفی دارد: امنیت اقتصادی، امنیت شغلی، امنیت سیاسی و ... به این معنا که کوچک‌ترین نابسامانی در یکی از آنها، امنیت اجتماعی را خدشه‌دار می‌سازد. به عبارت دیگر برای استقرار امنیت اجتماعی در جامعه، نیازمند امنیت اقتصادی، شغلی، سیاسی و ... هستیم. احساس امنیت، بستر مناسبی برای تحقق امنیت عینی در جامعه است. احساس روانی امنیت در میان افراد جامعه به عنوان سرمایه‌های اجتماعی تلقی می‌شوند و تنها با وجود پشتوانه اخلاقی محکمی که افراد خود را به انجام آن مقید بدانند، مقدر است. به عبارت دیگر، کنترل و نظارت در سطح جامعه نباید صرفاً بیرونی و همراه با اجبار باشد؛ بلکه اگر افراد جامعه،

اجتماعی، ناهنجاری‌ها و آسیب‌های فراوانی را به همراه داشته است و بستری برای ایجاد اختلال و ناامنی را در این گونه جوامع به وجود آورده است. عواملی مانند: رشد حاشیه‌نشینی، افزایش یأس اجتماعی، گسترش جرم و جنایت، چندپارگی فرهنگی، فقر اقتصادی، فقر فرهنگی و... در بین گروه‌های شهری امنیت اجتماعی را به شدت کاهش می‌دهد. تعاریف لغوی امنیت در فرهنگ‌های لغت عبارت از درامان بودن، آرامش و آسودگی، حفاظت در مقابل خطر، احساس آزادی و ایمنی و رهایی از تهدید است. ریشه لاتین واژه امنیت (securus) می‌باشد که در لغت به معنای نداشتن دله‌ره و دغدغه است (گروس، ۱۳۸۵).

امنیت را به شکل‌های گوناگونی تعریف کرده‌اند: برخی آن را مصونیت از تعرض و اجبار دانسته‌اند و بعضی آن را عدم هراس افراد نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود و به مخاطره نیفتادن آنها می‌دانند (گلیزال، ۱۳۷۶: ۳۳). به دیگر سخن، منظور از امنیت ایجاد شرایطی است که فرد بتواند در آن آزادانه رشد کند و هیچگونه ترسی از عوامل بیرونی زمان حال و آینده نداشته باشد. به عبارت دیگر ارضای نیاز حفاظت از خود در حال و آینده؛ نیاز رهایی از وحشت و اضطراب؛ تأمین جانی و عدم محرومیت از نیازهای اساسی برای فرد ایجاد امنیت می‌کند (رضائیان، ۱۳۷۲: ۴۳-۴۲). امنیت را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: یکی امنیتی که از بیرون بر فرد تحمیل می‌شود و نظم ظاهری و بیرونی نام دارد. در این نوع امنیت؛ با دیکته کردن یک‌سری مقررات و قوانین انضباطی؛ امنیتی ظاهری در جامعه ایجاد می‌شود. چنین امنیتی ممکن است در کوتاه‌مدت مفید باشد، اما در بلندمدت، آثار تخریبی برای جامعه در بر خواهد داشت، زیرا چنین امنیتی محیط مساعدی برای رشد انسان‌ها نمی‌باشد و به جای این که امنیت ایجاد کند؛ امنیت روانی افراد را به خطر می‌اندازد و به جای اینکه ترس از حال و آینده را از بین ببرد؛ خود به وجود آورنده ترس در محیط جامعه است. نوع دوم امنیت؛ امنیتی است که از درون فرد سرچشمه می‌گیرد. به عبارت دیگر، امنیت در این معنا ایجاد شرایطی است که همه افراد در آن احساس امنیت کنند. چنین امنیتی مطلوب جامعه است و نیازهای روحی افراد را نیز ارضا می‌کند؛ محیط

به عنوان توانایی در تأثیرگذاری بر رفتار ناشی می‌شود. به عقیده وی قدرت از یک مقام سازمانی یا اجتماعی؛ نفوذ شخصی یا هر دو، سرچشمه می‌گیرد. فردی که در سایه مقام سازمانی و اجتماعی خود قادر است فرد دیگری را به انجام کار معینی ترغیب کند، گفته می‌شود که قدرت مقام دارد؛ در حالی که فردی که قدرتش را از زیردستانش می‌گیرد؛ قدرت شخصی دارد. برخی افراد هر دو قدرت مقام و شخصی را دارند. اتریونی معتقد است که بهترین وضعیت برای یک مدیر هنگامی است که وی هر دو قدرت را دارد. ماکیاولی^۲ در رساله شهریار^۳ که آن را در قرن پانزده میلادی به رشته تحریر در آورده است؛ ضمن طرح این سؤال که آیا بهتر است رابطه مبتنی بر محبت (قدرت شخصی) با زیردستان داشت یا رابطه مبتنی بر ترس؟ (قدرت مقام)؛ نقطه نظر جالبی ارائه می‌دهد. وی مانند اتریونی معتقد است که بهترین وضع آن است که هم دوستت بدارند و هم از تو بترسند (علاقه‌بند، ۱۳۶۵: ۹۲) و این همان مطلبی است که در مدیریت اسلامی به‌ویژه مدیریت حضرت علی (ع) به آن جاذبه و دافعه گفته شده است. استاد شهید مطهری می‌گوید: جاذبه و دافعه یعنی تأثیر بر روی انسان‌ها به شکل مثبت یا منفی و حضرت علی (ع) را دارای جاذبه و دافعه نیرومند می‌داند (مطهری، ۱۳۶۴: ۷).

استاد مطهری، انسان‌ها را از نظر جاذبه و دافعه به چهار دسته تقسیم می‌کند:

۱. مردمی که نه جاذبه دارند و نه دافعه،
۲. مردمی که جاذبه دارند؛ اما دافعه ندارند،
۳. مردمی که دافعه دارند؛ اما جاذبه ندارند،
۴. مردمی که هم جاذبه دارند و هم دافعه.

وی دسته چهارم را چنین توصیف می‌کند: گروه‌هایی را به سوی خود می‌کشند و در دل‌هایی به عنوان محبوب و مراد جای می‌گیرند و گروه‌هایی را هم از خود دفع می‌کنند و می‌رانند. هم دوست سازند و هم دشمن ساز. هم موافق پرور و هم مخالف پرور (مطهری، ۱۳۶۴: ۲۸-۲۱) مدیریت سیاسی و امنیتی در جامعه اسلامی باید جاذبه و دافعه داشته باشد. زیرا اگر بخواهد صرفاً با تکیه بر قدرت مقام (دافعه) ایجاد امنیت کند؛ امنیت ایجاد شده

خودکنترلی را در تعاملات اجتماعی پیش گیرند، به‌طور قطع امنیت اجتماعی پایدار و مستمری در جامعه به وجود خواهد آمد. اگر امنیت تحمیلی و بیرونی باشد، شکننده و آسیب‌پذیر می‌شود و از سویی دیگر دولت ملزم به صرف هزینه‌های سنگین در برقراری امنیت می‌شود. در این صورت امنیت از ثبات و پایداری برخوردار نخواهد بود. اگر به جای امنیت بیرونی، نظارت و کنترل شدید و صرف هزینه‌های سنگین برای مقابله با افراد نابهنجار، به درست جامعه‌پذیر کردن کودکان و تقویت نهادهای آموزش و پرورش پرداخته شود، می‌توان به تحقق امنیت درونی امید بیشتری داشت. نبود نهادهای آموزشی مناسب در جامعه، امنیت اجتماعی واقعی را با آسیب‌هایی روبه‌رو می‌کند.

اغلب رفتارهای نابهنجار در جامعه نتیجه فشارهایی است که بر افراد جامعه وارد می‌آید. به اعتقاد رابرت مرتن: فشار معینی از طریق ساختارهای جامعه بر برخی افراد جامعه اعمال می‌شود تا آنها را به رفتار نابهنجار وادارد (کوزر، ۱۳۸۰: ۱۹۳). البته میزانی از نابهنجاری در هر جامعه‌ای وجود دارد و هیچ جامعه‌ای نیست که در آن همه هنجارها و قوانین به درستی و کامل رعایت شود؛ اما به طور کلی منظور این است که ساختارهای نامناسب جامعه، فرد را در شرایطی قرار می‌دهد که به اعمال خلاف قوانین اجتماعی دست بزند و امنیت و نظم اجتماعی را برهم بزند. حال هرچه میزان اخلاق اجتماعی - که فرد بدان پایبند است - بالاتر رود و فرد بیشتر با تعهدات و وظایف اجتماعی خود آشنایی یابد، امکان احترام به حقوق اجتماعی نیز فزونی می‌یابد. هنگامی که فرد به خود کنترلی اقدام ورزد و ارزش‌ها و هنجارهای جامعه برایش درونی گردد، فضای آرام فکری و روانی برای همگان فراهم می‌آید و خلاقیت و مشارکت اجتماعی شکل می‌گیرد و به تبع آن، اعتماد اجتماعی و امنیت اجتماعی گسترش روزافزونی خواهد داشت.

آمیتای اتریونی^۱ دانشمند مدیریت در این زمینه معتقد است که مدیران برای اداره و ایجاد امنیت سازمانی و اجتماعی دارای دو نوع قدرت هستند: یکی قدرت مقام و دیگری قدرت شخصی. تمایزی که وی میان این دو مفهوم قائل است؛ از مفهوم قدرت

1. amitai etzioni
2. machiavelli
3. the prince

می‌نماید و همانا عدم تشویق نیروهای انسانی به ترس از خدا یا کنترل بر اعمال و کردار روزانه آنان می‌باشد. در حقیقت این روش در عوض اینکه انسان‌ها را با توکل به خدا و برای رضای وی، چه در نهان و چه در آشکار تشویق نمایند او را با ترس از خداهای زمینی چه در شکل ابزار مکانیکی (دوربین‌های تلویزیونی) و چه در شکل انسان‌های زمینی (بازرسان علنی) و چه با انگیزه‌های مادی (تشویق و تنبیه با پول) وادار به اشتغال می‌سازند (افجه‌ای، ۱۳۶۲: ۲ ضمیمه اقتصادی).

امنیت سیاسی و اجتماعی از دیدگاه امام خمینی (ره)

اکنون، با استناد به فرمایشات و مجموعه آثار حضرت امام خمینی (ره) مواضع و دیدگاه‌های ایشان را در خصوص امنیت تبیین نماییم. اگرچه سخن گفتن از نظم و امنیت در اندیشه شخصیت بزرگانی چون امام راحل (ره) بسیار سخت و دشوار خواهد بود. شخصیتی که نه تنها امنیت و آسایش نظام ظالمانه شاهنشاهی را در ایران در هم ریخت؛ بلکه هیمنه استکبار جهانی و استعمارگران شرق و غرب را در هم شکست و مدعیان دروغین نظم نوین جهانی را رسوا کرد و جهانیان به ویژه مستضعفان و ستم‌کشیدگان را به آرامش و امنیت در سایه عزت و اقتدار اسلام ناب محمدی دعوت نمود.

با مراجعه به راه امام و کلام آن بزرگوار می‌توان استنباط کرد که نگاه ایشان به مفهوم امنیت، نگاهی کلان‌نگر و عمیق می‌باشد و به تعبیر دیگر در جهت مقابله با هرج و مرج و ناامنی، هر نظامی را مورد تأیید قرار نمی‌دهد و به شکل ظاهری بسنده نمی‌کند. برای آگاهی بیشتر در این زمینه به برخی از مؤلفه‌های امنیت که اهمیت ویژه‌ای دارند مانند: امنیت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در اندیشه و افکار امام خمینی (ره) به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در بحث امنیت سیاسی دیدگاه‌های امام راحل (ره) را می‌توان در دو بعد سیاست داخلی و بعد سیاست خارجی مورد توجه قرار داد: در زمینه سیاست داخلی عوامل زیر به عنوان اساسی‌ترین عناصر در برقراری امنیت نظام جمهوری اسلامی قابل بحث می‌باشند: جایگاه ولایت فقیه و رهبری، صیانت از اسلامیت نظام، پایگاه مردمی نظام، رعایت اصل استقلال، التزام به قانون

ظاهری و کوتاه‌مدت است و در بلندمدت، مدیریت را با شکست مواجه خواهد کرد؛ ولی اگر با تکیه بر قدرت و نفوذ شخصی و با تأثیرگذاری بر رفتار دیگران (جاذبه)؛ مدیریت و رهبری کند؛ امنیت ایجاد شده؛ پایدار و با دوام خواهد بود.

مفهوم امنیت سیاسی، اجتماعی و کنترل از دیدگاه غرب و اسلام

مفهوم امنیت سیاسی، اجتماعی و کنترل از دیدگاه غربی و اسلامی با توجه به اهداف مدیریت در غرب و اسلام با هم تفاوت‌های بنیادین دارد. از دیدگاه غرب، این امنیت و کنترل، بیرونی است یعنی بر افراد تحمیل می‌شود زیرا از این دیدگاه، انسان در جامعه و محیط کار، موجودی است که کار برای او یک بلای اجتناب‌ناپذیر است و باید برای کار بیشتر با کنترل دقیق و توأم با سخت‌گیری، او را وادار به کار کرد. نظارت و کنترل در این معنا تحقیر شخصیت انسانی را به دنبال دارد.

در صورتی که از دیدگاه مدیریت اسلامی، در درجه اول امنیت و کنترل به معنای تشویق نیروهای انسانی به ترس از خدا و نظارت خدا بر اعمال و کردار آنان می‌باشد و هدف، رشد و کمال انسان در سازمان و جامعه است. این نظارت درونی است؛ یعنی فرد علاوه بر اینکه خدا را در درون خود ناظر و حاضر می‌داند، خود نیز به نظارت و کنترل خود می‌پردازد. در این دیدگاه انسان از کار بیزار نیست و موجودی است که کار جوهر وجودی اوست و کار، او را به کمال می‌رساند و استعدادهای بالقوه او را شکوفا می‌سازد. زیرا انسان خلیفه و جانشین خدایی است که او نیز همیشه در کار است: کل یوم هو فی شأن (قرآن کریم، سوره الرحمن، آیه: ۲۹)

امنیت و کنترل در مدیریت اسلامی به منظور ارتقای شخصیت انسانی و کمال او، صورت می‌گیرد. افجه‌ای در این زمینه در مقایسه مدیریت غربی با مدیریت اسلامی چنین می‌نویسد: کنترل و امنیت، از جمله مباحث مهم در مدیریت سیاسی و اجتماعی است. امروز در غرب با استفاده از سیستم‌های تلویزیونی، صوتی، بازرسی مستقیم، گزارش کارکرد روزانه در جدول‌های زمان‌بندی شده مخصوص، سعی در اعمال کنترل بر نحوه عملکرد انسان‌ها می‌نمایند که شخصاً از یک پدیده غیراسلامی و غیر الهی پیروی

(قانون‌گرایی). دیدگاه امام خمینی(ره) درباره نقش و جایگاه ولایت فقیه با توجه به پیام‌ها، سخنرانی‌ها و نوشته‌های متعدد ایشان بر هیچ کس پوشیده نیست. برای مثال درباره اهمیت این اصل اساسی در یکی از سخنان خویش می‌فرماید: «بهترین اصل در اصول قانون اساسی، این اصل ولایت فقیه است» (امام خمینی، کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها: ۱۱۹). همچنین در یکی دیگر از سخنان خود، شأن امنیتی این اصل مهم را مورد توجه قرار داده و می‌فرماید: «... من به همه ملت، به همه قوای انتظامی اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت وارد نخواهد شد» (امام خمینی، کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها: ۱۱۹).

با مطالعه در سیره عملی و نظری حضرت امام استفاده می‌شود که در اندیشه ایشان یکی از ارکان اساسی مشروعیت نظام، اسلامی بودن است. بنابراین چه پیش از برقراری جمهوری اسلامی و چه پس از آن همواره اسلامیت آن را به‌مثابه موضوع امنیتی تلقی کرده و صیانت از اسلامیت نظام را واجب و لازم دانسته‌اند و در این باره می‌فرمایند:

«اینک که به توفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه‌ریزی شده و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است اسلام و احکام مترقی آن است، بر ملت عظیم‌الشأن ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است» (وصیت‌نامه سیاسی، الهی امام خمینی (ره): ۸). از این رو براساس آن همه تأکید و توصیه‌های امام بر حفظ مکتبی بودن و اسلامی بودن نظام، هرگونه تلاش و حرکتی برای طرح و حاکم ساختن الگوی غیراسلامی، از آنجا که با جوهره ارزشی نظام جمهوری اسلامی تعارض دارد، به عنوان حرکت ضدامنیتی محسوب می‌شود و طبق اصل اول و دوم قانون اساسی درحکم تهدید به حساب می‌آید و مقابله با آن ضروری است. «واقع مطلب این است که اینها اسلام را نمی‌خواهند. اگر جمهوری اسلامی یک جمهوری دموکراتیک بود، آنها حرفی نداشتند، لکن جمهوری اسلامی است که دستورات اسلام برای آنها در غارتگری‌ها و در زورگویی‌ها، مجال نمی‌خواهد بدهد» (صحیفه نور، ج ۱۹: ۹۰ بیانات امام در تاریخ ۶۳/۱۱/۱۴ به مناسبت دهه فجر).

از دیدگاه امام(ره) حکومتی مشروعیت دارد که مبتنی بر قوانین و احکام اسلام و نیز متکی به رأی مردم باشد. ایشان در این باره می‌فرمایند: «حکومت جمهوری اسلامی هم یک جمهوری است مثل سایر جمهوری‌ها ولیکن قانونش قانون اسلامی است» (صحیفه امام، جلد ۵: ۳۴۷). از نظر حضرت امام، «اگر حکومت و حاکمان، رضایت و پذیرش مردمی داشته باشند، خداوند متعال هم از آنان راضی می‌شود. از همین روست که ایشان حکومت اسلامی را حکومتی موافق مردم و موافق حکم خدا معرفی کرده‌اند» (صحیفه امام، ج ۴: ۴۶۰).

«اگر کشوری بخواهد امنیت را توأم با استقلال کامل تأمین کند، کار مقداری مشکل و سخت خواهد بود. به‌ویژه کشوری که دارای آرمان‌ها و ارزش‌های مقدس بوده و مایل است هویت مستقل اسلامی و ملی خود را حفظ کند. برای کشوری که می‌خواهد در بعد سیاسی دارای استقلال کامل بوده و خود، تصمیم‌گیرنده باشد و جلوی دخالت‌های نابجای دیگران را بگیرد و در بخش اقتصادی به جای منافع مشترک به دنبال منافع ملت خود باشد، تأمین امنیت دشوارتر خواهد بود و بالمآل جامعه بار سنگین‌تری را بردوش خواهد کشید. چنین کشوری دارای دشمنان فراوانی در سطح جهان و منطقه خواهد بود» (روحانی: ۱۷۷).

در اندیشه سیاسی امام (ره) هرگونه وابستگی و دخالت اجانب در مقدرات ملت‌ها اعم از وابستگی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، رفاه‌طلبی و مصرف‌گرایی، خود باختگی و احساس حقارت در برابر فرهنگ بیگانه غربی به عنوان عوامل نامنی و موانع استقلال و خودکفایی می‌باشند و از دیدگاه امام محکومند.

یکی دیگر از عوامل ایجاد نظم و امنیت در جامعه، قانون‌گرایی و پرهیز از قانون‌گریزی است. اگر قانون نباشد دو حالت بیشتر پیش نخواهد آمد: حالت اول این است که جامعه دچار هرج و مرج می‌شود. در آن صورت، هیچ موجودی امنیت ندارد و بدیهی است که هرج و مرج مغایر با رشد و سعادت جامعه است... حالت دوم، استبداد است.

امام خمینی(ره)، حکومت جمهوری اسلامی را حکومتی مبتنی بر قانون عدل الهی دانسته و به اعتقاد ایشان «همه در سایه قانون با امنیت کامل به سر می‌برند و هیچ حاکمی حق ندارد، برخلاف مقررات و قانون شرع مطهر قدیمی بردارد» (ولایت

کوکوران‌ه و در بخش اقتصادی اشتراک منافع با دیگران، حاصل این تفکر است. کشورهای در اطراف ما وجود دارند که مجری این روش‌ها هستند. در خود ایران قبل از انقلاب نیز، وضع چنین بود و مردم ما در گذشته با این شیوه کاملاً آشنا بودند و امنیت در ایران از طریق وابستگی در بخش سیاسی، در بخش فرهنگی و در بخش اقتصادی تأمین می‌شد (خامنه‌ای، صحیفه نور).

امام خمینی (ره) با تأکید بر اینکه فرهنگ در موجودیت و حیات هر جامعه‌ای نقش اساسی و محوری دارد و اصلاح فرهنگ در رأس همه اصلاحات به‌شمار می‌آید، از جمله دستاوردهای انقلاب اسلامی را برقراری فرهنگ استقلالی در جامعه به‌وسیله دانشگاه مستقل و حوزه می‌دانستند. برقراری نظم و امنیت فرهنگی بر مبنای استقلال فکری و قطع وابستگی فرهنگی و جایگزین کردن فرهنگ مستقل اسلامی - ایرانی از وظایف دولت اسلامی است.

با توجه به عنایت خاصی که در گفتار و کلمات امام (ره) نسبت به مقوله فرهنگ و استقلال فرهنگی به چشم می‌خورد چنین استفاده می‌شود که امنیت فرهنگی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و به عبارت دیگر اگر امنیت فرهنگی وجود داشته باشد، امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی هم به وجود می‌آید: دولت موظف است مقدمات و بسترهای لازم را برای رشد و تعالی فرهنگ جامعه فراهم نماید و بر طبق قانون اساسی ابزار و امکانات مورد نیاز مردم را از تحصیلات ابتدایی گرفته تا آموزش عالی مهیا سازد. امروزه انسجام فرهنگی را یکی از منابع تأمین کننده امنیت داخلی می‌دانند. غرض از این مفهوم وجود سطح قابل قبولی از هماهنگی میان نهادهای متولی امور اجتماعی - فرهنگی در جامعه است که در نتیجه آن، تضاد در حوزه نهادهای فرهنگی به حداقل رسیده یا از بین برود.

امنیت فرهنگی مفهومی وسیع و گسترده دارد. این امر طیف گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. از تبلیغات روزنامه‌ها و رسانه‌های عمومی گرفته تا افکار عمومی جامعه و تفکرات حاکم بر بخش‌های مختلف قدرت، همه در این حوزه قرار دارند: امنیت فرهنگی نیز مانند امنیت سیاسی لازمه توسعه است و تا امنیت فرهنگی نباشد نباید منتظر توسعه باشیم.

در اندیشه سیاسی امام (ره) بر ضرورت استقلال فکری و

فقیه (حکومت اسلامی)، امام خمینی: ۶۲). همچنین امام (ره) همه مردم و مسئولان را به رعایت قانون اساسی و ضوابط اسلامی فراخوانده و می‌فرماید: «همه باید مقید به این باشید که قانون را بپذیرید ولو برخلاف رأی شما باشد، باید بپذیرید برای اینکه میزان اکثریت است و تشخیص شورای نگهبان که این مخالف قانون نیست و مخالف اسلام هم نیست، میزان است که همه ما باید بپذیریم. من هم ممکن است با بسیاری از چیزها - من که یک طلبه هستم - مخالف باشم، لکن وقتی قانون شد، خوب ما هم می‌پذیریم» (صحیفه امام، ج ۱۴: ۳۷۷).

امام راحل (ره) در مورد سیاست خارجی و روابط بین‌المللی نیز بر نفی وابستگی سیاسی و سیاست نه شرقی، نه غربی و حفظ مصالح اسلام و مسلمانان تأکید دارند و در پیام‌ها و سخنرانی‌ها و فرمایشات خویش روی آنها تکیه می‌کردند و تخلف و عدول از این سیاست را خیانت و اخلال در امنیت و استقلال نظام می‌دانستند.

ایشان در پاسخ به نامه رؤسای قوای سه‌گانه - که در تاریخ ۱۳۶۷/۷/۱۱ ارسال نمودند - این‌طور فرمودند: «بر هیچ یک از مردم و مسئولین پوشیده نیست که دوام و قوام جمهوری اسلامی ایران بر پایه سیاست نه شرقی و نه غربی استوار است و عدول از این سیاست، خیانت به اسلام و مسلمین و باعث زوال عزت و اعتبار و استقلال کشور و ملت قهرمان ایران خواهد بود (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۵۵، صحیفه نور، ج ۲۱: ۳۶).

مقام معظم رهبری نیز اصول سیاست خارجی را حول محور سه اصل بنیادین عزت، حکمت و مصلحت بیان کرده‌اند که به کار بستن این اصول در عرصه روابط بین‌الملل، نشانه شوکت و اقتدار نظام مقدس جمهوری اسلامی است.

«... متأسفانه برخی از کشورها، تز معروف «استقلال کمتر، امنیت بیشتر» را دنبال می‌کنند و برای آسودگی خیال و جلوگیری از تجاوز دشمن، کشور خود را در اختیار یک قدرت بزرگ قرار داده‌اند، این امر به قول معروف «خودکشی از ترس مرگ» است! یعنی ما خودمان کاری کنیم که دشمن دیگر نیازی به تجاوز نداشته باشد، در همه بخش‌ها دشمن را سهمیم و شریک کنیم تا نیازی به تجاوز نباشد!! بنابراین در بخش سیاسی مقداری وابستگی، در بخش فرهنگی مقداری بی‌هویتی، تسلیم و تقلید

مورخه ۵۹/۹/۲۷). «صدمه‌هایی که وارد می‌شود بر مملکت، غالباً از این متفکرین بی‌پرورش، آموزش‌های بی‌پرورش واقع می‌شود، علم را تحصیل می‌کنند لکن تقوا ندارند» (کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره): ۱۸۴).

برای استقرار نظم و امنیت اجتماعی عناصر و عوامل مختلفی دخیل می‌باشند: برقرار کردن عدالت در جامعه یکی از اهداف مهم حکومت پیامبران الهی و امامان معصوم است و یکی از پایه‌های اساسی امنیت به‌شمار می‌آید. امام خمینی (ره) آن را بهترین وسیله جلب اعتماد مردم و موفقیت دولت‌ها می‌دانند و می‌فرمایند: «هدف بعثت‌ها به طور کلی این است که مردمان براساس روابط اجتماعی عادلانه نظم و ترتیب پیدا کرده، قد آدمیت راست گردانند و این با تشکیل حکومت و اجرای احکام امکان‌پذیر است، خواه نبی خود موفق به تشکیل حکومت شود مانند رسول اکرم (ص) و خواه پیروانش پس از وی توفیق تشکیل حکومت و برقراری نظام عادلانه اجتماعی را پیدا کنند» (ولایت فقیه: ۶۰ - ۵۹) و در جای دیگری حکومت اسلامی را حکومت عدل و عدالت معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «در جمهوری اسلامی عدل اسلامی جریان پیدا می‌کند. عدالت الهی بر تمام ملت سایه می‌افکند» (صحیفه امام، ج ۵: ۲۷۹) از دیدگاه اسلام و امام (ره)، امنیت تنها در مورد جان، مال و ناموس مردم خلاصه نمی‌شود؛ بلکه شامل تأمین شغل و مسکن و سایر امنیت‌های اجتماعی نیز می‌باشد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح شده است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن، شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند» (قانون اساسی، اصل ۲۲). اسلام ورود بدون اجازه به مسکن دیگران را ممنوع نموده و تعرض می‌داند، حتی نگاه کردن به داخل خانه و محل سکونت پوشیده شده مردم را جایز نمی‌داند، تا آنجا که اگر شخص متعرض، به هنگام دفاع صاحب خانه به قتل برسد، خونش مهدور است (تحریرالوسیله، ج ۱: ۴۹۱).

حضرت امام (ره) در فرمان هشت ماده‌ای خطاب به مسئولان نظام در خصوص امنیت شغلی و عدم دخالت در زندگی خصوصی افراد می‌فرماید: «ما نباید ظلم کنیم، یعنی تفتیش نماییم که در داخل خانه‌های مردم چه می‌گذرد، کسی هم حق ندارد عشرتکده

فرهنگی و عدم قبول وابستگی تأکید شده است: «بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه، دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و پوک و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان‌پذیر است» (صحیفه نور، جلد ۱۵: ۱۶۰، پیام امام خمینی به مناسبت آغاز سال تحصیلی مورخ ۶۰/۶/۳۱).

از مجموعه فرمایشات و پیام‌های امام در مقوله فرهنگ و امنیت می‌توان استفاده کرد که راه رسیدن به استقلال فرهنگی اول پایان دادن به فرهنگ بیگانه و بعد بازگشت به اصالت خویش و هویت اسلامی است. خودباختگی در مقابل فرهنگ غرب و بیگانه‌شدن از خویشتن خویش باعث تزلزل فرهنگی و اخلاقی خواهد شد و امنیت و ثبات فرهنگی جامعه را به خطر می‌افکند. امام (ره) در این باره می‌فرمایند: «... اگر جامعه از نظر فرهنگی، وابسته و تابع فرهنگ بیگانه باشد، مجبور می‌شود که در ابعاد دیگر اجتماعی هم به سوی دشمن برود و در نهایت، نابود می‌شود و شرف خود را در همه زمینه‌ها از دست می‌دهد» (یاسین، ۷۶).

حضرت امام (ره) برای اصلاح فرهنگ جامعه و حفظ و حراست از حریم علم و دانش، بر تربیت و تزکیه و تهذیب نفس تأکید دارند و پیشرفت حقیقی را در سایه تخصص و تعهد اسلامی می‌دانند: «باید آنهایی که به این کشور علاقه دارند، آنهایی که به این ملت علاقه دارند، آنهایی که خودشان وابسته نیستند و خدمت‌گزار ابرقدرت‌ها نیستند، آنها همت کنند به اینکه دانشگاه را یک مرکزی درست کنند که مرکز علم و تهذیب باشد، که همه تخصص‌ها در خدمت خود کشور باشد نه اینکه متخصص بشود و با آن تخصص‌اش ما را به دامن آمریکا بکشد، متخصص بشود و با آن تخصصش به کشور ما ضربه وارد کند» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۲۱۱ - ۲۰۹).

اسلام را، هم عمل کنید و هم وادار کنید که دیگران عمل کنند. همان‌طوری که هر شخص و هر فردی موظف است که خودش را اصلاح کند، موظف است که دیگران را هم اصلاح کند. اصل امر به معروف و نهی از منکر برای همین است که جامعه را اصلاح کند» (صحیفه نور، ج ۹: ۲۹۱).

امنیت فقط وظیفه پلیس یا نیروهای انتظامی یا نیروهای اطلاعاتی و امثال آنها نیست. تمام دستگاه‌های فرهنگی و تبلیغی از آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها گرفته تا رسانه‌های گروهی همه و همه باید دست به دست هم بدهند تا نظم، انضباط و احترام به قانون به ارزش تبدیل شود، به‌طوری که اگر یک فرد از اعضای خانواده کار خلافی انجام داد نتواند آن را برای خانواده خود نقل کند. متأسفانه هنوز در فرهنگ جامعه، بسیاری از کارهای خلاف، نوعی زرنگی تلقی می‌شود!... این امر مستلزم یک تحول عمیق فرهنگی است. تا این تحول انجام نگیرد ما به اهداف بلند خود نخواهیم رسید.

یکی دیگر از اقسام امنیت، امنیت اقتصادی است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «پیریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه».

دولت اسلامی برای استقرار ثبات و امنیت و رفاه اجتماعی وظیفه دارد از طریق درآمدهای عمومی و پرداخت حق بیمه بازنشستگی، زندگی افراد کهنسال و از کار افتاده و محرومان جامعه را تأمین نماید و معضل بزرگ بیکاری را با اجرای طرح‌های اشتغال مرتفع سازد.

امنیت از دیدگاه استاد مطهری

از دیدگاه استاد مطهری امنیت و آزادی سه عنصر اصلی تکامل است: شهید مطهری معتقد است آزادی در شمار لوازم و ضروریات حیات و تکامل بشری است و انسان را به سمتی سوق می‌دهد که به ابعاد متعالی دست یابد. استاد شهید مرتضی مطهری حکومت را تدبیر امور اجتماعی به منظور تحقق نظم امنیت، رفاه و برقراری عدالت اجتماعی می‌داند. یکی دیگر از مباحثی که به دنبال ضرورت و چگونگی شکل‌گیری حکومت

درست کند و یا قمارخانه. در حکومت اسلامی با این گونه امور مبارزه می‌شود. ما می‌خواهیم احکام خدا جاری شود. آن طرفش هست، این طرفش هم هست. آن طرف که نباید با مردم بدرفتاری کرد، نباید داخل منازل مردم ریخت، مردم باید درخانه‌هایشان مطمئن باشند، در زندگی‌شان، کسب و تجارتشان اطمینان داشته باشند. دولت اسلامی موظف است مردم را مطمئن نماید در همه چیز، در سرمایه‌هایشان در کسب و کارشان. دولت حق ندارد به آنها تعدی نماید و اگر کسی تعدی کرد تأدیب خواهد شد و از آن طرف هم اگر کسانی که مخالف اسلام هستند، بخواهند تجاهر به فسق نمایند، آنها هم تأدیب خواهند شد» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۶۲ - ۱۶۱). «ورود به مغازه‌ها و محل کار و منازل افراد بدون اذن صاحب‌خانه برای جلب یا به نام کشف جرم و ارتکاب گناه، ممنوع است...» امام (ره) در مورد افرادی که شغل نامشروع و غیرقانونی دارند، هشدار می‌دهند: «کسانی که شغل آنان گردآوری و توزیع مواد مخدر است، مصداق مفسد فی الارض قرار می‌گیرند و علاوه بر ضبط مواد باید آنان را به مقامات قضائی معرفی کرد» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۶۱).

یکی دیگر از راه‌های تأمین نظم و امنیت اجتماعی، مبارزه و برخورد جدی با فساد و انواع انحراف‌های اخلاقی و اجتماعی است. امام (ره) آن دسته از افرادی که انحراف اخلاقی دارند و جامعه را به فساد و تباهی می‌کشانند به عنوان غده سرطانی معرفی کرده و معتقدند: آن که جامعه را فاسد می‌کند و دست از فسادش برنخواهد داشت، او را باید از جامعه جدا کرد؛ او یک غده سرطانی است که جامعه را فاسد می‌کند. (کلمات قصار، پنجاه و حکمت‌ها، امام خمینی: ۸۲).

امر به معروف و نهی از منکر و کنترل و نظارت کارگزاران نظام از وظایف مهم اجتماعی به حساب می‌آید و از دیدگاه امام (ره) برای اصلاح امور جامعه و استقرار نظم و امنیت لازم است. ایشان حتی مردم را به انتقاد از خودشان فراخوانده، می‌فرمایند: «همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور، نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن» (صحیفه امام، ج ۸: ۵) و در جای دیگری این اصل اجتماعی و سیاسی را مورد تأکید قرار داده و می‌فرمایند: «کوشش کنید که احکام

روش انجام کار

روش مورد استفاده در این تحقیق نیز روش توصیفی از نوع کتابخانه‌ای است. برای دستیابی به مؤلفه‌های امنیت سیاسی و اجتماعی در پاسخ به این سؤال که جامعه ایران، نیازمند چه مؤلفه‌هایی در راه امنیت سیاسی و اجتماعی است؟ با استفاده از منابع دست اول و دست دوم از طریق مطالعه مقالات و کتاب‌ها راجع به مدیریت، امنیت سیاسی، اجتماعی و مشاوره با صاحب‌نظران و با تعمق و اندیشه درباره آنها، مؤلفه‌های امنیت سیاسی - اجتماعی در جامعه اسلامی ایران شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و پیشنهادهای لازم ارائه گردید.

۲. مؤلفه‌های امنیت سیاسی و اجتماعی در جامعه اسلامی ایران با تأکید بر امنیت درونی

برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی را که در تحقق امنیت سیاسی و اجتماعی مؤثرند؛ عبارتند از:

ایجاد انگیزه در افراد

یکی از وظایف بسیار مهم مدیریت جامعه در ایجاد امنیت سیاسی و اجتماعی؛ به وجود آوردن انگیزه^۱ در افراد جامعه است. گفته‌اند که انگیزه؛ حالت یا وضعی روانی است که رفتار را در جهت هدف هدایت می‌کند. وظایف افراد در جامعه هر اندازه که دقیق و حساب شده باشد؛ تا زمانی که افراد انگیزه کار و فعالیت نداشته باشند؛ به طور مؤثر به مرحله عمل در نخواهد آمد و محیط جامعه محیطی امن برای افراد نخواهد بود. انگیزه یا محرک افراد، ممکن است کاملاً درونی باشد ولی غالباً لازم است که مدیر از محرک‌های بیرونی برای انگیزش آنان استفاده کند مطالعات اولیه مدیریت در رفتار انسانی اغلب قدرت انگیزشی عوامل اقتصادی را مورد تأکید قرار می‌دادند. افراد انسانی علاوه بر رفع نیازهای اساسی جویای موقعیت‌هایی هستند که بتوانند نیازهای درونی خود را ارضا نمایند. ایجاد شرایطی که افراد را از لحاظ ارضای نیازهای کسب منزلت و احترام؛ اهمیت و موفقیت و رشد و پیشرفت یاری بخشد و آسوده خاطر سازد؛ انگیزه کار و فعالیت را در آنها تقویت می‌کند (علاقه بند، ۱۳۷۴: ۱۰۴-۱۰۳) رفتار فرد در جامعه تحت تأثیر سلسله عوامل برونی^۲ عوامل درونی^۳ شکل می‌گیرد. عوامل برونی عواملی هستند که از بیرون بر فرد، اثراتی می‌گذارند مانند محیط

در ذهن اندیشمند سیاسی مطرح می‌شود این است که فلسفه وجودی حکومت چیست؟ به عبارت دیگر اهداف حکومت شامل چه مواردی می‌شود؟ استاد مطهری با استناد به نهج‌البلاغه در چند اثر خود از جمله نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر، درباره جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی این اهداف را تشریح می‌کند و مهم‌ترین آن را بازگشت به اسلام واقعی، توسعه اقتصادی و تأمین امنیت، اصلاح روابط اجتماعی و قانون‌گرایی می‌داند.

جامعه به حکمران، وضع قانون، اجرای قانون، مصالح کلی جامعه در مقابل فرد، وحدت، تأمین امکانات اجتماعی، دفاع از هجوم اقوام و ملل دیگر، جلوگیری از تجاوزات افراد در داخل و به حفظ آزادی و امنیت افراد از تجاوز افراد دیگر نیازمند است. (پیرامون جمهوری اسلامی مطهری، ۱۵۱-۱۵۰).

از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری، مهم‌ترین آسیب اقتصادی انقلاب اسلامی ایران عدم امنیت اقتصادی است: یکی از اهداف حکومت دینی اصلاح روابط طبقات مختلف جامعه است، حکومت با طرفداری از مظلوم به احقاق حق وی از ظالم در هر مقام و منصبی که باشد می‌پردازد و امنیت جامعه را به نحوی تنظیم می‌کند که طبقات مختلف جامعه به یکدیگر تعدی نکنند، البته این امنیت دوطرفه است یعنی از سویی باید سرمایه‌های مردم از امنیت کامل برخوردار باشد و کسی به آن تعدی نکند و از سویی دیگر در صورت تعدی شخص متمول به حقوق ضعیف حکومت موظف به دفاع از اوست. شهید مطهری درباره حفظ امنیت سرمایه و اجتماع می‌گوید: حضرت علی(ع) در آن فرمانی که به مالک اشرار نوشته است جمله‌ای دارد که عین آن در اصول کافی هم هست به او می‌گوید: مالک تو باید به گونه‌ای حکومت بکنی که مردم تو را به معنای واقعی تأمین‌کننده امنیت‌شان و نگاه‌دار هستی و مال‌شان و دوست عزیز خودشان بدانند.

(ت) پیش فرض‌ها

به نظر می‌رسد که ایجاد امنیت سیاسی و اجتماعی در جامعه اسلامی ایران، نیازمند مؤلفه‌هایی است که نقش بسترسازی دارد، با عملیاتی کردن این مؤلفه‌ها، تحقق اهداف امنیت سیاسی و اجتماعی در جامعه تسهیل خواهد شد و نقش مدیریت اجتماعی در این زمینه کارساز است.

1.motivation

2.external factors

3.internal factors

مشارکت در کار و مدیریت مشارکتی، (ج) اعتماد و احترام متقابل بین افراد، (د) توجه به نیازهای مادی و معنوی افراد، (ه) توجه به شخصیت افراد و رعایت مدیریت روابط انسانی، (و) تفویض اختیار بیشتر به زیردستان.

امنیت شغلی

یکی از عوامل مؤثر در تحقق امنیت سیاسی- اجتماعی، توجه به امنیت شغلی افراد است. برای مثال اگر کارمندی از نظر مادی، فکری، شغلی و ... امنیت نداشته باشد؛ مسلماً در راستای تحقق اهداف آن جامعه موفق نخواهد بود و در جهت ایجاد و حفظ امنیت اجتماعی نمی‌تواند قدمی بردارد. انجمن‌های صنفی کارکنان می‌توانند با حمایت همه‌جانبه از آن‌ها، قدم‌های مؤثری در جهت ایجاد و حفظ امنیت بردارند و به همین دلیل این‌گونه انجمن‌ها باید مورد توجه مسئولین و نظام سیاسی جامعه قرار گیرد.

بهداشت روانی

بهداشت روانی، دانش و هنری است که به افراد کمک می‌کند تا با ایجاد روش‌های صحیح روانی و عاطفی بتوانند با محیط خود سازگاری حاصل کرده و برای حل مشکلات خود از راه‌های مطلوب اقدام نمایند و آنها را قادر می‌سازد تا توانایی‌های جسمی و روانی خود را به حداکثر رسانیده؛ از استرس‌های ناشی از تعامل بین افراد جلوگیری کرده؛ زندگی اجتماعی، اقتصادی بارور و هماهنگ با محیط داشته باشند. یکی از عوامل بهداشت روانی عزت نفس است. مدیران باید برای افراد جامعه رقابت‌هایی را به وجود آورند که افراد بتوانند موفقیتی بدست آورند و عزت نفس آنها نیز بالا رود. مدیر نباید شکست افراد را بزرگ جلوه دهد و هر روز به رخ آنها بکشد و عزت نفس آنها را پایین بیاورد. نگرش مثبت یا منفی مدیران در بهداشت روانی افراد جامعه بسیار مؤثر است. اگر نگرش به عملکرد مثبت باشد کارایی و خلاقیت، اخلاق و رفتار بالا می‌رود، یعنی افراد سازمان یا جامعه نه دروغ می‌گویند و نه غیبت می‌کنند و نه ناهنجاری به وجود می‌آید و در نهایت، امنیت در محیط جامعه استقرار خواهد یافت. از دیگر عوامل بهداشت روانی؛ احترام و حفظ شخصیت انسانی افراد است. تحقیر کردن

اجتماعی و رفتار سایر افراد؛ عوامل خارجی شامل نیازهای خاص شغلی؛ موفقیت فرد در سلسله مراتب سازمانی؛ رفتار مدیران؛ سرپرستان؛ زیردستان و همکاران. عوامل درونی عواملی هستند که از درون فرد سرچشمه می‌گیرند و شامل ادراک و برداشت‌های فرد از محیط و طرز تلقی و نیازهای او و انگیزه‌های وی می‌باشند. لازم به یادآوری است که عوامل درونی و بیرونی بر روی هم نیز اثر می‌گذارند، برای مثال رفتار مدیر نسبت به زیردست (به عنوان یک عامل بیرونی) بر علاقه‌مندی فرد نسبت به زیردست (به عنوان یک عامل درونی) اثر می‌گذارد؛ این تأثیر، خود باعث سرزدن رفتاری خاص از فرودست در مقابل دستورات فرادست شده و فرادست نیز متقابلاً به رفتاری خاص دست می‌زند و همه اینها در امنیت جامعه مؤثر است. انسان می‌کوشد تا با دست‌زدن به رفتارهای گوناگون در مقابل عوامل بیرونی و درونی واکنش‌های ارضاکنده از خود نشان دهد. هرگاه دست‌زدن به یک عمل برای پاسخ عوامل درونی و بیرونی کفایت کند؛ فرد با مسئله‌ای مواجه نخواهد بود و از این نظر دچار تعارض نمی‌شود؛ اما هرگاه برای پاسخ به عوامل درونی و بیرونی دو عمل متفاوت و متضاد لازم باشد، فرد دچار تعارض و نگرانی خواهد شد. برای مثال فردی که مجبور است از دستورات مافوق اطاعت کند و آن دستورات برایش قابل قبول نباشد؛ دچار تعارض می‌گردد. او در مقابل دستورات که عوامل بیرونی هستند، مجبور به فرمانبرداری است؛ در حالی که در مقابل ارزش‌های ذهنی خود که یک عامل درونی است؛ انجام آن دستورات غیرقابل قبول و ناشایست می‌باشند و این دوگانگی او را آزرده و نگران می‌سازد. در چنین حالتی دو نیروی متضاد در فرد به تکاپو می‌افتند و هر کدام او را به سوی می‌رانند. دوگانگی‌هایی که در درون آدمی به وجود می‌آید موجبات اضطراب و نگرانی وی را فراهم می‌سازد و نتایج کار او را در جامعه، تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین باید کوشید که در جامعه این‌گونه تعارض‌ها به حداقل ممکن کاهش یابد، زیرا توفیق در نیل به هدف‌های جامعه و برقراری امنیت تا حدود زیادی به رفتار افرادی است که در آن جامعه کار می‌کنند. روش‌های ایجاد انگیزه در جامعه برای ایجاد و حفظ امنیت سیاسی- اجتماعی عبارتند از:

(الف) مشورت و نظرخواهی با افراد جامعه، (ب) همدستی و

اضطراب را به حداقل کاهش داد، زیرا اضطراب، محیط امن و آرام را به هم می‌زند و محیط جامعه را از اهداف خود دور می‌سازد. علاوه بر این، از بین بردن ریشه‌های مسائل استرس‌زا در جامعه، در برقراری امنیت سیاسی و اجتماعی از جمله نکاتی است که باید همواره دغدغه اصلی مسئولان جامعه باشد.

احترام و اعتماد متقابل

یکی از عواملی که در محیط جامعه ضریب امنیت را افزایش می‌دهد؛ احترام و اعتماد متقابل بین افراد است. رنسیس لیکرت^۱ در نظریه خود معروف به سیستم‌های مدیریت^۲ سیستمی را معرفی می‌کند، به نام سیستم شماره چهار. در این نوع مدیریت، اعتماد و اطمینان متقابل میان کارکنان یک سازمان وجود دارد؛ ارتباطات نه فقط در جهات بالا و پایین، بلکه بین گروه‌ها و همگنان وجود است. تحت این مدیریت کنش و واکنش متقابل رئیس و مرئوس؛ گسترده و دوستانه و توأم با اعتماد و اطمینان فراوان است (علاقه بند، ۱۳۶۵: ۶۷) سیستم مدیریت شماره چهار لیکرت را می‌توان در محیط جامعه به منظور ایجاد روحیه احترام و اعتماد متقابل بین افراد در جهت تحقق امنیت اجتماعی مورد استفاده قرار داد.

محیط مؤثر و امن

رهبری مستلزم آن است که مدیر بتواند اولاً محیط کار خود را با تعریف و تفسیر هدف‌ها؛ تهیه و اجرای برنامه‌ها و راهنمایی مؤثر فعالیت‌ها به یک نظام همکاری فعال و پویا مبدل کند و ثانیاً با یاری و مساعدت به افراد؛ آنها را در نوآوری و انجام کار مؤثر، تقویت نماید. در چنین شرایطی است که موجبات شکوفایی استعدادها و قابلیت‌ها فراهم می‌شوند؛ افراد به کار اثربخش برانگیخته می‌شوند؛ در جریان فعالیت‌ها مشارکت می‌کنند و روی هم‌رفته، محیط مؤثر، امن و مساعدی را برای فعالیت‌ها و تحقق اهداف آن به وجود می‌آورند (علاقه بند، ۱۳۷۴: ۲۰۰).

علاوه بر این، بر طبق تئوری سیکل زندگی^۴ کرمن^۵؛ همچنان که سطح بلوغ کارکنان یک محیط اداری بالا می‌رود؛ رفتار

افراد جامعه سلامتی روانی آنها را به خطر می‌اندازد و در فرایند^۱ ایجاد امنیت سیاسی و اجتماعی اثرات زیادی دارد.

عوامل فیزیکی از قبیل محیط اجتماعی در روحیه افراد تأثیر بسزایی خواهد گذاشت و در بهداشت روانی آنها مؤثر است. به عبارت دیگر اگر محیط اجتماعی تمیز؛ زیبا؛ جذاب و دل‌انگیز باشد؛ یکی از عواملی است که سلامت روانی افراد را در جامعه تضمین می‌کند. (مرندی، ۱۳۷۹: ۱۲)

ایجاد روحیه مشارکت و کار جمعی

در یک محیط اجتماعی تأکید می‌شود که راجع به ملاک‌های عملکرد فرد و گروه پیشاپیش با مشارکت طرفین تصمیم‌گیری کرد. در اتخاذ این تصمیمات؛ مدیر و زیردستانش باید هدف‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت را مورد توجه قرار دهند. این کار دو فایده دارد؛ یکی اینکه به زیردستان فرصت می‌دهد که در تعیین مبنایی که کوشش‌های آنان براساس آن، داوری می‌شود، مشارکت کنند؛ دوم شرکت‌دادن در برنامه‌ریزی فعالیت‌ها؛ تعهد آنان را نسبت به هدف‌ها و مقاصد تعیین شده افزایش خواهد داد. اگر با رویکرد مشارکتی به محیط اجتماعی بنگریم، مسلماً خیلی از برنامه‌ها را در تعامل متقابل با اعضای آن و با هزینه کمتر؛ با تنش‌های کمتر و با کیفیت بهتری می‌توانیم اجرا کنیم و باعث رهاسازی انرژی‌ها و توانایی‌های بالقوه در نیروی انسانی باشیم. به‌طور قطع در چنین شرایطی میزان تفاهم عمومی افزایش می‌یابد و کارکردهای اجرایی امنیت در جامعه تسهیل خواهد شد. زمینه دیگر این نوع مشارکت، به ارتباط مردم و حاکمیت مربوط می‌شود یعنی ما چگونه سیاست‌های اجتماعی را در جامعه مطرح کنیم تا بتوانیم حمایت افراد جامعه را هم داشته باشیم (سرکار آرنای، ۱۳۷۹: ۱۱)

پایین بردن اضطراب و استرس افراد در جامعه

یکی دیگر از عوامل تحقق امنیت در جامعه؛ پایین آوردن اضطراب و استرس‌های روانی افراد است از مسائلی که پیرامون آنهاست. با خط‌مشی‌های مدیریت مشارکتی می‌توان؛ این

1. process
2. RENSIS LIKERT
3. management systems

4. life cycle theory
5. korman

باشند، کمتر از خود مقاومت نشان می‌دهند و در نتیجه، تغییر از ثبات و دوام بیشتری برخوردار خواهد شد. (ه) تغییرات را به موارد مفید و لازم محدود سازیم. (و) تغییرات تدریجی انجام گیرد نه به صورت شدید و انقلابی.

خود کنترلی

امروزه خودکنترلی و خود ارزشیابی (self evaluation) یکی از مراتب خودشناسی در آموزه‌های اسلامی است. این امر می‌تواند انسان را در جهت کمال یاری دهد و او را به مقام واقعی خود ارتقا بخشد. حدیث با ارزش: «حاسبوا قبل ان تحاسبوا» در همین راستا می‌باشد. برطبق این روش انسان باید در مسیر رشد و تکامل خویش بر اعمال و رفتار خود نظارت و کنترل داشته باشد، این کنترل - که نتیجه نظارت الهی است - یک کنترل درونی است که از آن به نفس لوامه تعبیر شده است، یعنی نفسی که انسان را در مقابل نفس اماره کنترل می‌کند تا مبادا از مسیر اصلی منحرف شود. علی (ع) می‌فرماید: «العالم من عرف قدره و کفی بالمرء جهلا الا يعرف قدره» شخص دانا و عالم کسی است که قدر خود را بشناسد و برای جهل و نادانی انسان همین بس که از قدر و منزلت خویش بی‌خبرماند (نهج البلاغه به نقل از سرمدی، ۱۳۷۹: ۹۲).

انسانی که قدر و منزلت خود را درک می‌کند، استعدادهای مثبت وجود خود را به هدر نمی‌دهد، چنین انسانی نسبت به رشد و کمال خود به دیده اعتنائی نمی‌نگرد، حسنات خود را شوخی تلقی نکرده و به بازی نمی‌گیرد. این انسان به جای آنکه به عیب‌جویی از این و آن بپردازد، به عیب خویش توجه کرده و سعی در اصلاح خویش می‌کند (انسان کامل از دید نهج البلاغه، ۱۳۶۲). چنین رویکردی در مدیریت اسلامی، نیاز به نظارت و کنترل بیرونی را کاهش می‌دهد و مدیریت جامعه را در تحقق اهداف امنیت سیاسی و اجتماعی یاری خواهد کرد.

امنیت اقتصادی

بدیهی است که امنیت اقتصادی بر امنیت اجتماعی تأثیرگذار خواهد بود. اگر آینده روشنی برای افراد یک محیط اجتماعی از نظر اقتصادی وجود داشته باشد و اگر اقتصاد یک جامعه سالم و

مدیریت و رهبری مناسب ضمن افزودن بر روابط انسانی؛ مستلزم کاهش اعمال مقررات غیرقابل انعطاف است. رابطه معلم و شاگرد در محیط‌های آموزشی مثال دیگری از تئوری سیکل زندگی است. تدریس اثربخش به دانش‌آموزان سطوح پایین مستلزم رفتار غیرقابل انعطاف و آمرانه از طرف معلم است. معلم در این سطوح الگوهای مقتضی از لحاظ عادات حضور در کلاس و رعایت مقررات آموزشی و درس خواندن را تقویت می‌کند، در صورتی که رفتار مبتنی بر روابط بیشتر برای کار کردن با دانش‌آموزان سال‌های بالاتر، مناسب‌تر به نظر می‌رسد. رابطه مدیر و معلمان هم مثال دیگری از تئوری سیکل زندگی کرمن است. سبک رهبری مناسب برای کار کردن با اعضای آموزشی باتجربه؛ تأکید کم بر مقررات است؛ زیرا سطح تحصیلات و بلوغ این افراد طوری است که نیاز به اعمال مقررات از طرف رئیس را ندارند؛ حتی گاهی از این کار تنفر دارند (علاقه بند، ۱۳۷۴: ۱۳۷ تا ۱۳۵). رعایت همه موارد فوق در یک محیط اجتماعی؛ ضریب امنیت آن محیط را بالا می‌برد و در تحقق عوامل مؤثر در ایجاد امنیت سیاسی و اجتماعی نقش بسزایی دارد.

یکی از عوامل مخل امنیت در محیط‌های اجتماعی؛ مقاومت در برابر ایجاد تغییرات است. مقاومت در برابر تعویض مدیر؛ معاون و یا برنامه‌های جدید. مقاومت در مقابل تغییر یکی از مباحث مهم امنیتی محیط‌های اجتماعی است. تعویض بدون برنامه‌ریزی یک مدیر یا معاون؛ موجب مقاومت کارکنان در برابر این تصمیم می‌شود و در نهایت امنیت را به خطر می‌اندازد. علل این مقاومت؛ درک غلط از اهداف تغییر و توجیه‌نشدن؛ خو گرفتن به وضع موجود؛ نیاز به صرف وقت و آموختن مهارت‌های تازه؛ ترس از دست دادن موقعیت و در نظر نگرفتن نیازهای کارکنان می‌باشد. روش‌های مدیریت در مقابل تغییر عبارتند از: الف) هر مورد تغییر باید با ویژگی‌های افراد ذینفع هماهنگی داشته باشد. ب) تغییرات باید در رفع نیازهای افراد، مؤثر باشد. ج) جلسات توجیهی و آموزشی به خاطر اشتراک مساعی در رفع مشکلات و نارسایی‌های موجود برای ایجاد تغییرات برنامه‌ریزی و تشکیل شود. د) تغییرات جنبه تحمیلی نداشته باشد و با مشارکت افراد و از طرف و به زبان آنان پیشنهاد شود؛ زیرا هر چه افراد ذینفع در تعیین تغییرات لازم و نحوه اجرای آنها بیشتر مشارکت داشته

امنیت فرهنگی

فرهنگ^۱ یک جامعه با تمام جنبه‌های آن از قبیل آداب و رسوم و سنن؛ دین و مذهب؛ اعتقادات؛ هنجارها و رفتارهای اجتماعی و غیره از جمله عوامل برون‌سیستمی است که در تحقق امنیت - اجتماعی اثر می‌گذارد. آداب و رسوم یک جامعه؛ دین و مذهب حاکم بر جامعه و اعتقادات مردم در یک محیط می‌تواند هم امنیت را ایجاد کند و هم محیط را ناامن سازد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران، احراز جایگاه نخست را در منطقه براساس سند چشم‌انداز توسعه علمی، اقتصادی و فرهنگی کشور هدف‌گذاری کرده است، بی‌درنگ می‌باید راهبردهای ویژه‌ای را ایجاد کند و یا توسعه دهد. از جمله مسائلی که می‌بایست در این زمینه مورد توجه قرار گیرد، نقش مدیریت در ایجاد امنیت سیاسی و اجتماعی است. مدیریت جامعه، علاوه بر نقش امنیت بیرونی، نقش امنیت درونی را در جامعه عهده‌دار است، نقشی که بر طبق آموزه‌های اسلامی، زمینه‌ساز رشد و کمال انسان‌ها در جامعه می‌باشد. این نقش جنبه پیش‌گیرانه دارد. به عبارت دیگر زمینه ایجاد عوامل مخل امنیت را در جامعه از بین می‌برد. بنابراین از این طریق، نقش مدیریت در ایجاد امنیت بیرونی در جامعه نیز تسهیل خواهد شد.

مدیریت جامعه در جمهوری اسلامی برای ایجاد چنین امنیتی، نیازمند تغییر و تحولی بنیادی در اهداف، روش‌ها، مدیریت و برنامه‌ریزی‌های درون سازمان‌ها است که تحقق اهداف امنیتی سیاسی و اجتماعی را میسر خواهد کرد.

علاوه بر این، مدیریت جامعه در جمهوری اسلامی ایران نیازمند مؤلفه‌هایی برای ایجاد امنیت سیاسی و اجتماعی است که با همکاری نهادهای اجتماعی به‌ویژه آموزش و پرورش، صداوسیما، فرهنگ و ارشاد اسلامی و ... قابل تحقق است و باید در این زمینه در جامعه، فرهنگ‌سازی لازم انجام گیرد.

پیشنهادها

در جهت تحقق امنیت سیاسی و اجتماعی، با تأکید بر نقش

پویا باشد؛ آن محیط از اضطراب‌ها؛ عصبانیت‌ها و تنش‌ها، بری خواهد بود و محیطی امن و راحت برای کار و تلاش خواهد بود. در غیر این صورت؛ امنیت اجتماعی آسیب می‌بیند.

ثبات سیاسی

ثبات‌سیاسی؛ آزادی بیان و نظام سیاسی مردمی، به‌طور غیرمستقیم امنیت جامعه را تضمین خواهد کرد. اما کشورهای که ثبات سیاسی ندارند و آزادی بیان در جامعه و مطبوعات وجود ندارد و نظام سیاسی جامعه، مردم‌سالاری نیست؛ طبیعی است که فاقد محیطی امن و راحت برای افراد است.

سیستم مدیریت

منظور از سیستم مدیریت در این جا گرایش به تمرکز یا عدم تمرکز است که سیستم‌های مدیریت متمرکز و غیرمتمرکز را به وجود می‌آورد. رابطه سیستم مدیریت متمرکز با امنیت ظاهری و بیرونی رابطه‌ای مستقیم است، همان‌گونه که مدیریت غیرمتمرکز با امنیت درونی رابطه مستقیم دارد. یعنی اگر مدیریت در جامعه‌ای متمرکز باشد؛ معمولاً امنیت‌ها، بیرونی و ظاهری است، در صورتی که اگر مدیریت جامعه‌ای غیرمتمرکز باشد، به طور معمول امنیت درونی حکم‌فرما خواهد بود، زیرا در چنین مدیریتی به زیردستان تفویض اختیار بیشتری شده است و آزادی عمل زیردستان در انجام امور مسلم است، در صورتی که در سیستم‌های متمرکز چون اکثر تصمیمات در سطوح بالای جامعه صورت می‌گیرد؛ امنیت معمولاً از بیرون بر جامعه تحمیل می‌شود.

ثبات مدیریت

در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اگر مدیریت‌ها ثبات نداشته باشد و تابع بحران‌های سیاسی موقت و جناح‌بندی‌های سیاسی قرار گیرد امنیت واقعی در جامعه هم آسیب می‌بیند. اگر با تغییر یک نماینده مجلس یا وزیر یا رئیس‌جمهور؛ تمام صاحبان پست‌های مدیریت جامعه تغییر یابند؛ بدیهی است امنیتی که تابعی از ثبات است؛ خدشه‌دار می‌شود.

- مدیریت در جامعه اسلامی پیشنهاد می‌شود:
۱. نهادهای آموزشی جامعه در جامعه‌پذیر کردن کودکان، نوجوانان و جوانان و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه و آشنا کردن آنان با حقوق، وظایف، تکالیف و نقش‌های یک شهروند، گام‌های مؤثری بردارند.
 ۲. نهادهای اجتماعی با برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت در جهت گرایش به عدم تمرکز و واگذاری هر بیشتر امور به مردم، گام‌های بلندی بردارد.
 ۳. زمینه‌های مشارکت فعال مردم در امور اجتماعی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و... ایجاد گردد.
 ۵. بهداشت روانی افراد جامعه مورد توجه مسئولان امر قرار گیرد.
 ۶. شوراهای کارکنان سازمان‌ها و نهادهای جامعه از حالت انفعالی به حالت فعال درآید و تقویت شود و مورد توجه قرار گیرد.
 ۷. در مدیریت سازمان‌ها و نهادهای جامعه از سبک‌های مدیریت مبتنی بر روابط انسانی استفاده شود و از اعمال مدیریت‌های کلاسیک و آمرانه پرهیز شود.
 ۸. امنیت شغلی افراد جامعه مورد توجه قرار گیرد.
 ۹. مدیران سازمان‌ها با ایجاد انگیزه در کارکنان؛ آنان را به کار مؤثر تشویق کنند.
 ۱۰. در مدیریت نهادهای اجتماعی به ثبات مدیریت توجه لازم مبذول گردد.
 ۱۱. مدیریت جامعه با همکاری نهادهای اجتماعی به ویژه آموزش و پرورش، صداوسیما، فرهنگ و ارشاد اسلامی در زمینه نهادینه کردن امنیت‌درونی در جامعه، بستر مناسب را فراهم کند.
- منابع:**
- قرآن کریم. ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. تهران: انتشارات روزنه.
 - افجه‌ای، سیدعلی‌اکبر. کنترل و نظارت بر منابع انسانی در مدیریت اسلامی. روزنامه اطلاعات، ضمیمه اقتصادی یکشنبه ۱۸/۲/۶۲. ۲.
- پال، هرسی و کنت، بلاچارد. (۱۳۶۵). مدیریت رفتار سازمانی. ترجمه علی علاقه‌بند. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- تصدیقی، محمدعلی. (۱۳۷۴). مقدمه‌ای بر مدیریت آموزشی. شهرضا: دانشگاه آزاد اسلامی.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۲). کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۶). وصیت‌نامه سیاسی- الهی امام خمینی. صحیفه انقلاب. چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۳). ولایت فقیه (حکومت اسلامی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله. تحریرالوسیله. ج ۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- رضاییان، علی. (۱۳۷۲). مدیریت رفتار سازمانی. تهران: انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- روحانی، حسن. انقلاب اسلامی، ریشه‌ها و چالش‌ها.
- سردی، محمدرضا. (۱۳۷۹). مدیریت اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- سرکار آرائی، محمدرضا. (۱۳۷۹). نگاهی به جنبه‌های مختلف مشارکت در آموزش و پرورش. روزنامه همشهری شماره ۲۱۳۹. تهران: مرکز انتشارات روزنامه همشهری.
- علاقه‌بند، علی. (۱۳۷۴). مقدمات مدیریت آموزشی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- کوزر، لیویس. (۱۳۸۰). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- گروسی، سعیده و دیگران. (۱۳۸۵). بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت. جی‌رفت: دانشگاه آزاد اسلامی.
- گلیزال، زان. (۱۳۷۶). امنیت، پلیس و جرم. ترجمه علی اوسط جاویدزاده. مجله امنیت، سال اول، شماره سوم.
- مردندی، مهدی. (۱۳۷۹). بهداشت روانی دانش‌آموزان. روزنامه همشهری، شماره ۲۳۳۰. تهران: مرکز انتشارات همشهری.
- مرکز اسناد و مدارک علمی. (۱۳۶۲). واژه‌نامه آموزش و پرورش. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۴). جاذبه و دافعه علی (ع). تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۷). پیرامون جمهوری اسلامی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات صدرا.
- موسوی، فرانک و دیگران. (۱۳۸۷). نقش حجاب زنان در امنیت اجتماعی. مجموعه مقالات الکترونیکی همایش زن و افق‌های آینده. کرمانشاه: دانشگاه آزاد اسلامی.
- هیئت تحریریه. (۱۳۶۲). انسان کامل از دید نهج البلاغه. تهران: مؤسسه مکاتباتی اسلام‌شناسی.
- یاسین، کاظم. پایداری و ثبات در شخصیت امام خمینی (ره). چاپ اول.